



# از نیروهای حافظ صلح تا استقرار صلح

البته تمام این فعالیتها نیاز به بودجه دارد. در سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۹۱ از اعضای سازمان ملل درخواست شد به ترتیب مبلغ ۲۳۳ میلیون دلار و ۴۲۱ میلیون دلار جهت مخارج نیروهای حافظ صلح پرداخت نمایند. صورت حساب برای ۱۲ ماه آینده مبلغی حدود ۲/۷ میلیارد دلار خواهد بود. عبارت دیگر نیروهای پاسدار صلح در حال افزایش هستند. آنچه تاکنون انجام شده خوب است اما این افزایش سریع باعث بوجود آمدن سنوالات متعددی شده است. آیا سازمان ملل به تنهایی باید بار این مسئولیت را بدوش بکشد؛ چگونه میتوان توانائی های این سازمان را بهبود بخشید؛ آیا کشورهای عضو حاضرند مخارج نیروهای حافظ صلح را در این مقیاس ها پرداخت نمایند؛ چگونه میتوان اولویت ها را تعیین کرد تا تضمینی باشد که منابع محدود موجود برای تامین نیازهای نیروهای حافظ صلح، در نقاط آشوب زده ای خرج شود که بیشترین نتیجه مطلوب بدست آید. پاسخ دادن به این سنوالات مستلزم مروری بر تاریخچه فعالیتهای نیروهای حافظ صلح است.

## روند تحول نیروهای حافظ صلح

«حفظ صلح» و «برقراری صلح» دو مقوله متفاوت است. تفاوت اصلی آنها در این است که اعزام نیروهای حافظ صلح مستلزم توافق طرفین درگیر میباشد درحالیکه این امر در رابطه با برقراری صلح مورد نیاز نیست. فصل هفتم منشور سازمان ملل به تفصیل چگونگی برخورد و تصمیم گیری شورای امنیت نسبت به تهدید صلح و اعمال تجاوزگرانه را شرح میدهد. جدیدترین نمونه برقراری صلح، البته، اقدام شورای امنیت در رابطه با اشغال کویت توسط عراق بود. هیچ شرط و تعریف خاصی برای نیروهای حافظ صلح در منشور سازمان ملل قید نشده. حتی بر سر اینکه چه وقت «اولین» مورد از عملیات نیروهای حافظ صلح صورت پذیرفت، اختلاف نظر وجود دارد. بیشتر مردم فکر میکنند گروه ناظران نظامی معروف به سازمان نظارت بر ترک مخاصمه سازمان ملل (UNTSO) که طی اولین جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ جهت نظارت بر آتش بس اعزام شد- و بعداً همین گروه در سال ۱۹۴۹ مامور نظارت بر متارکه جنگ بین اسرائیل و مصر و همچنین سایر همسایگان عربی بود- اولین مورد از عملیات نیروهای حافظ صلح سازمان ملل بوده است. از آن زمان به بعد، نیروهای حافظ صلح بطور سریع تکامل یافته اند. در سال ۱۹۵۶ اولین نیروی مسلح بعد از بحران سوئز تشکیل شد. در سال ۱۹۶۰ سازمان ملل عملیات خود در کنگورا به مورد اجرا گذاشت. در سال ۱۹۶۲ نیروهای حافظ صلح سازمان ملل مسئولیت اداره و همچنین حفظ امنیت داخلی «ایران غربی» را طی دوره انتقالی از استعمار هلند تا استقلال را به عهده گرفتند. در سال ۱۹۶۴ دوباره سازمان ملل در یک درگیری داخلی مداخله کرد و آن موقعی بود که سازمان نیروی را جهت کنترل جنگ داخلی در قبرس تشکیل داد.

○ آنچه در زیر به نظر خوانندگان محترم می رسد، متن نطق آقای دکتر پطروس غالی دبیرکل سازمان ملل است که در تاریخ ۲۳ اردیبهشت (۱۳ ماه مه) در تالار دیرکسون سنای امریکا ایراد شده است. دبیرکل در سخنان خود به دست آوردهای سازمان ملل متحد در زمینه برقراری و حفظ صلح در نقاط مختلف اشاره کرده و امکانات و مشکلات موجود را برشمرده است.

● من به دو دلیل سوژه «حفظ صلح» را برای سخنرانی خود انتخاب نموده ام. اول بخاطر اینکه امروزه پاسداری از صلح یکی از بارزترین فعالیتهای سازمان ملل است. دوم این که در این دوران جدید روابط بین الملل، طبیعت کار نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در حال تکامل میباشد.

در میان فعالیتهای سازمان ملل در طول تاریخ آن، پاسداری از صلح جلب توجه بیشتری کرده است. این مسئله قابل درک است زیرا درگیریها در حالیکه حزن انگیز است دارای ارزش خبری نیز میباشد. اعزام پرسنل نظامی توسط یک سازمان بین المللی بمنظور حفظ صلحی متزلزل، داستان و خبر خوبی برای جلب توجه مردم است. برای سازمان ملل تبلیغات در زمینه فعالیت نیروهای پاسدار صلح در بیشتر مواقع سودمند بوده، بویژه در مواقعی که سازمان مورد عنایت و حمایت عمومی واقع نمیشده است.

حقیقتاً طی ۴ سال گذشته تقاضا برای اعزام نیروهای حافظ صلح سازمان بطور فزاینده ای افزایش داشته است. تا سال ۱۹۸۸ سازمان ملل ۱۳ مورد عملیات حفظ صلح را ترتیب داده بود. از سال ۱۹۸۸ تاکنون نیز مجموعاً ۱۳ مورد عملیات از این نوع به انجام رسیده که آخرین آنها عملیات تازه تأیید شده در سومالی میباشد. بنابراین آنچه که ما طی ۴ سال گذشته انجام داده ایم معادل کل فعالیتهای انجام شده در این زمینه طی ۴۰ سال گذشته است. از آنجاکه درگیریهای قومی تهدیدی فزاینده علیه صلح و امنیت جهانی است، واضح است که باید در زمینه حفظ صلح کارهای بیشتری انجام دهیم. سال ۱۹۹۲ مهمترین سال برای محک زدن فعالیتهای نیروهای پاسدار صلح خواهد بود. ما همزمان در حال اعزام نیرو به کامبوج و یوگسلاوی هستیم که این فعالیتهای بترتیب دومین و سومین عملیات بزرگ نیروهای حافظ صلح است که سازمان ملل تا بحال تقبل نموده. تعداد سربازان و نیروهای پلیس سازمان ملل از ۱۱/۵۰۰ نفر در ماه ژانویه به رقم ۴۴،۰۰۰ نفر تا پایان ماه مه خواهد رسید.



- - در جهان چندقطبی امروز، توسعه اجتماعی و اقتصادی و ترویج و تقویت بنیادهای دموکراتیک، جزء لاینفک و لازمه بقای صلح به شمار می‌رود.
- - صلح و بهروزی غیرقابل تقسیم است و برقراری صلح پایدار و باثبات مستلزم همکاری مؤثر بین المللی برای از میان بردن فقر و ترویج یک زندگی بهتر و توأم با آزادی بیشتر برای همه است.

بدین ترتیب، تکامل نیروهای حافظ صلح عمدتاً بخاطر این واقعیت بوده که منشور سازمان ملل تعریفی از نیروهای حافظ صلح ارائه نکرده است. این امر دبیرکل و دولتمردان را قادر ساخته که ابزارهای انعطاف پذیر در این زمینه را توسعه دهند. این نحوه برخورد تا حدودی توانائی محدود عملکرد شورای امنیت را در دوران جنگ سرد جبران نمود. اما این سکه روی دیگری نیز داشت. نبود یک مرجع برای نیروهای حافظ صلح در منشور سازمان ملل باعث شد که اتحاد جماهیر شوروی مشروعیت آن را زیر سؤال ببرد و از پرداخت مخارج آن سرباز زند. این امر موجب بحران مالی بزرگی در اواسط دهه ۱۹۶۰ شد. همچنین موجب گردید که دبیرکل‌های قبلی و دستیارانشان امور مربوط به نیروهای حافظ صلح را آرام و با دقت بسیار زیاد انجام دهند تا مانع از کاربرد حق وتو در این زمینه شوند.

### نیروهای حافظ صلح بعد از جنگ سرد

من تمام این تاریخچه را شرح دادم که نشان دهم بعد از خاتمه جنگ سرد، مجموعه‌ای از عقاید، اصول و رویه‌ها در رابطه با نیروهای حافظ صلح بوجود آمده بود. بنابراین سازمان ملل میتواند در این زمینه فعالیت کند که ناگهان ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی توانستند راههای همکاری با یکدیگر را در شورای امنیت به منظور پیدا کردن راه حل و کنترل درگیریهایی پیدا کنند. این همان پیشرفت خوشایندی بود که درخواست برای خدمات نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل را افزایش داد. همچنین این امر باعث یک تغییر مهم در منشور فعالیت‌های نیروهای حافظ صلح شد. از ۱۳ مورد عملیات انجام شده تا قبل از ۱۹۸۸، همه غیر از یکی در ایران غربی، بعنوان آنچه اکنون عملیات نیروهای حافظ صلح سنتی (Traditional Peace Keeping Operation) نامیده میشود توصیف شده‌اند. یعنی در ترکیب، بطور وسیع نظامی بودند و مأموریت آنها شامل نظارت بر آتش بس، کنترل بخش‌های خائل بین طرفین درگیر، تحقیق در مورد جریان احتمالی تسلیحات، ممانعت از سرگرفته شدن درگیری‌ها و غیره بود. بعبارت دیگر مأموریت این نیروها حفظ آرامش در خطوط مقدم به منظور ایجاد زمان کافی برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات توسط افراد غیرنظامی را در بر می‌گرفت.

در بعضی مواقع حل و فصل مسالمت‌آمیز، موفقیت‌آمیز بوده ولی در بیشتر موارد این کوششها موفق نبوده است. به همین دلیل هنوز بیشتر عملیات نیروهای حافظ صلح در مناطقی که قبل از ۱۹۸۸ شروع شده، ادامه دارد. در مقام مقایسه، فقط ۵ مورد از ۱۳ مورد عملیات قبل از جنگ سرد از نوع سنتی بود و هشت مورد عملیات باقی مانده از جمله در ایران غربی، به منظور تکمیل تفاهم ناشی از مذاکرات انجام شده توسط طرفین درگیر، به اجرا درآمده بود. چنین عملیاتی نه فقط شامل فعالیت‌های نظامی سنتی، بلکه در برگیرنده فعالیت‌های غیرنظامی نیز بوده است. این همان فعالیت‌های جدیدی است که مستلزم طیف وسیعی از مهارتها و تخصصها، شامل آنهایی که ثمره کارهای ما در زمینه جهانی است، میباشد.

نمونه این نوع فعالیت‌های نیروهای حافظ صلح را میتوان در السالوادور، جایی که سازمان ملل در حال رسیدگی به انقلابی است که از راه مذاکره پیروز شده، پیدا کرد. من فرصت این را داشتم که از نیروهای ناظر صلح در السالوادور (ONUSAL) بعد از امضای موافقت نامه نهائی در مکزیک در ماه ژانویه دیدن

کنم. آنها نه تنها درگیر مسائل آتش بس و تصمیمات مربوطه هستند بلکه در رابطه با اصلاح و تقلیل شمار نیروهای مسلح، ایجاد یک نیروی پلیس جدید، اصلاح سیستم قضائی و انتخاباتی، رعایت حقوق بشر، مالکیت موقت زمین و مسائل دیگر اجتماعی و اقتصادی فعالیت مینمایند.

نمونه دیگر کامبوج است که در آنجا توافق نامه صلح خواستار نظارت سازمان ملل بر بخش‌های مختلف سیستم اجرایی موجود، سازماندهی انتخابات، نظارت بر فعالیت پلیس، ترویج حقوق بشر، بازگرداندن بیش از ۳۵۰،۰۰۰ نفر آواره، اسکان مجدد مهاجران در کشور و اجرای یک رشته فعالیت‌های سنتی نظامی میباشد.

من اخیراً سه روز را در «بنوم پن» گذراندم. در آنجا فرصتی نصیبم شد که از کار «نیروهای سازمان ملل با اختیار تام برای گذراندن دوران انتقالی در

کامبوج» که همراه با جناحهای کامبوجی، شورای عالی ملی را تشکیل می‌دهند و طی سال آینده تمام فعالیت‌ها و تصمیمات مهم دولت را اصلاح خواهند کرد، بازدید بعمل آورم. با بیاد آوردن تجربیات تلخی که ملت کامبوج طی دو دهه گذشته داشته، برای من شرکت در نشست شورای عالی ملی که به ریاست برنس نوردم سیهانوک (ایشان اخیراً به کشور بازگشته‌اند) تشکیل شد، بسیار جالب بود. طی این ملاقات دو عهدنامه در زمینه حقوق بشر توسط اعضاء به امضاء رسید. طی اقامت این فرصت را داشتم که جداگانه با هر یک از جناحها ملاقات کنم. من بر این مسئله تاکید داشتم که آنها (جناحهای کامبوج) باید اراده سیاسی کافی به منظور تضمین اجرای موافقتنامه‌های پاریس از خود نشان دهند.

کامبوجی‌ها فقط با تعهدی استوار به آشتی ملی میتوانند انتظار داشته باشند که شوراهای اعطا کننده کمک به درخواست فوری آنها برای تجدید اسکان آوارگان و بازسازی کشورشان پاسخ دهند.

علی‌رغم وظیفه مشکلی که (UNTAC) با آن مواجه است من با احساسی خوشبینانه بنوم پن را ترک کردم. آژانسهای سازمان ملل و سازمانهای غیردولتی که در آنجا حضور دارند با احساساتی مشترک با یکدیگر همکاری میکنند. امید میرود که این روح همکاری مثبت، راهنمایی برای روابط بین (UNTAC) و شورای عالی ملی باشد.

مواردی که در بالا به آنها اشاره شد، نمونه‌هایی از مسئولیتهای جامعه‌ای است که به سازمان ملل متحد به منظور اجرای موافقت نامه‌های صلح تفویض شده است. از سازمان ملل بطور فزاینده درخواست میشود که کمکهای فنی در زمینه تاسیس نهادهای دموکراتیک ارائه دهد، مثلاً سازماندهی و نظارت بر مراحل یک انتخابات، همانگونه که در مورد نامیبیا بود در مورد کامبوج به مورد اجرا گذاشته خواهد شد. در موارد دیگر سازمان ملل همکاری نزدیک با یک سازمان محلی در رابطه با نظارت بر انتخابات داشته است که نمونه آن در نیکاراگوئه بوده و در آنگولا نیز به اجرا گذاشته خواهد شد. از سازمان ملل درخواست شده که در صحرای غربی یک برنامه نظروخواهی به مورد اجرا گذارد. در این موارد عملکرد سازمان ملل براساس درخواست شورای امنیت یا مجمع عمومی بوده است. معهدا سازمان ملل درخواستهای فراوانی مستقیماً از کشورهای عضو برای کمکهای فنی دریافت مینماید. مثلاً ۱۲ کشور افریقائی (کامرون، کنگو، اتیوپی، ازبیره، غنا، گینه، لسوتو، لیبیا، مالی، ماداگاسکار، موزامبیک و رواندا) از سازمان ملل تقاضا نموده‌اند امکانات و نظریه فنی برای انتخاباتشان ارائه کند. آلبانی و رومانی نیز در اروپای شرقی خواستار کمکهای فنی شده‌اند. در آمریکای لاتین هم گویان خواسته مشابهی دارد.

طی ماههای اخیر از سازمان ملل تقاضا شده است در رابطه با یک پیامد ناخوشایند دیگر جنگ سرد اقدام نماید و آن عبارت است از مرگ نظام‌های کمونیستی در اروپای شرقی و آنچه که اتحاد جماهیر شوروی نامیده میشود و شروع درگیری‌های قومی که طی نیم قرن اخیر خاموش بوده است. یک نیروی پاسدار صلح بزرگ به یوگسلاوی اعزام شده تا سعی نماید درگیری‌های آنجا را تحت کنترل درآورد. در همین حال درگیری‌های قومی باعث مشکلاتی در بعضی از کشورهای افریقائی و آسیائی شده است. در واقع فاجعه انسانی ناشی از این درگیری‌ها باعث تحریک فزاینده احساسات عمومی و درخواست از سازمان ملل به منظور استفاده از نیروهای حافظ صلح و اعمال روش‌های حل و

مسالمت‌آمیز اختلافات که به این سازمان محول شده است صورت پذیرد. سازمانهای منطقه‌ای بهترین کاندیدا برای ایفای نقشی وسیعتر در این رابطه هستند. فصل هشتم منشور سازمان ملل این امکان را به سازمانهای منطقه‌ای میدهد که «بمنظور دستیابی به سازشی مسالمت‌آمیز برای اختلافات محلی ..... قبل از اینکه این اختلافات در شورای امنیت مطرح شود، تلاش کنند.» در حال حاضر مشکل موجود این است که سازمانهای منطقه‌ای تقریباً هیچ تجربه‌ای در زمینه نیروهای حافظ صلح ندارند و فاقد ساختار و رویه لازم برای این منظور میباشند. بعلاوه وضعیت مالی بعضی از آنها بمراتب بدتر از سازمان ملل است. معهدا من مطمئنم که سازمانهای منطقه‌ای باید سهم بیشتری در رابطه با نیروهای پاسدار صلح و حل مسالمت‌آمیز اختلافات بدوش بکشند. به همین دلیل است که من در یوگسلاوی بر تقسیم کار بین جامعه اروپا که برای مدتی هم در زمینه پاسداری صلح و نیز حل مسالمت‌آمیز اختلافات فعالیت داشته، و سازمان ملل که فقط مسئول نیروهای حافظ صلح در بعضی از نواحی «کرواسی» است، تاکید نموده‌ام. من همچنین پیشنهاد مشاوره فنی در زمینه فعالیتهای نیروهای حافظ صلح کنفرانس امنیت و همکاری اروپا (CSCE) در رابطه با مسئله ناگورنو-قره باغ بین آذربایجان و ارمنستان کرده‌ام. من به این امر توجه داشته‌ام که سازمان وحدت افریقا (OAU)، جامعه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی را در تلاش‌های خودم در سوماتالی شریک نمایم.

امیدوارم کشورهای عضو به تعهد خود در تقویت سازمانهای منطقه‌ای جامه عمل بپوشانند تا متقابلاً این سازمانها نیز بتوانند نقش اساسی خود را در رابطه با حفظ صلح و امنیت جهانی ایفا نمایند. دخالت آنها در امر صلح، بنوبه خود خدمتی به ترویج و دموکراتیزه کردن روابط بین الملل خواهد بود. ما همچنین احتیاج به افزایش نقش سازمانهایی غیردولتی در زمینه عملیات نیروهای حافظ صلح داریم. آنها برای مدت طولانی در زمینه کمکهای انسان دوستانه فعال بوده‌اند. این امر اخیراً بطور رسمی توسط آخرین قطعنامه شورای امنیت در رابطه با سوماتالی برسمیت شناخته شده است. در سوماتالی بیشتر کارهای مربوط به کمک‌های انسان دوستانه توسط سازمانهای غیردولتی انجام میشود و نیروهای حافظ صلح سازمان ملل مأمور حراست از این فعالیتهای میباشند.

در رابطه با نیروهای حافظ صلح سازمان ملل، ما مواجه با یک مشکل عمده یعنی کمبود منابع مالی) شده‌ایم. هر زمان یک نیروی حافظ صلح جدید تاسیس میشود، تمام پرسنل باید به منطقه عملیات منتقل شوند. این بدین معنی است که بیش از ۱۹,۵۰۰ نفر باید به کاموج بروند، نزدیک ۱۴,۰۰۰ نفر به یوگسلاوی، ۴۹۰ نفر به مرز بین عراق و کویت، ۴۰۰ نفر به صحرای غربی، ۵۰ نفر به آنگولا، ۵۰۰ نفر به السالوادور و حداقل ۵۰ نفر ناظر نظامی به سوماتالی. این فقط اشاره‌ای به عملیاتی بود که در سال گذشته انجام پذیرفته است. بمحض مستقر شدن در منطقه عملیات، این پرسنل احتیاج به محل سکونت، غذا، خدمات بهداشتی، حمل و نقل، ارتباطات و سایر وسائل برای انجام وظیفه دارند. واحدهای نظامی پس از تشکیل، به منطقه اعزام میشوند. آنها بیشتر وسائل مورد نیاز را با خود حمل میکنند، اما هنوز مقدار زیادی کالا باقی میماند که باید توسط سازمان ملل برای آنها تهیه و تدارک شود.

بر اساس ترتیبات فعلی، برای هر مورد از عملیات جدید، باید کلیه اقلام را از نو تهیه نمایم. سازمان ملل همیشه تقریباً در بحران مالی بسر میرود. بولی که برای این منظور کنار گذاشته شده بود، مدتی است تمام شده. اگر حتی ما این مقدار پول را نیز در اختیار داشتیم، روند امور مالی سازمان، بطور جدی توانائی دبیر کل را در زمینه اجرای تعهدات مالی تا زمانی که هزینه عملیات و جزئیات امر بطور کامل تخمین زده شود و نتیجه بودجه توسط کشورهای عضو تصویب گردد، محدود میکرد. فقط در آن زمان است که ما اجازه داریم سفارش وسائل مورد نیاز را بدهیم.

نتیجتاً فاصله زیادی بین تصمیم شورای امنیت مبنی بر راه اندازی عملیات جدید از یکسو و اعزام نیرو به منطقه عملیات از سوی دیگر وجود دارد. این امر موفقیت کل عملیات را به خطر می‌اندازد. فاجعه‌ای از این گونه در حال وقوع بود که میتوانست روند موفق عملیات در نامیبیا را معکوس نماید ولی چون تعداد نیروهای سازمان ملل در موقع حساس انتقال قدرت بسیار کم بود، این

○ حفظ صلح دارای يك نسخه جهانی نیست. این نکته باید کاملاً روشن شود که بعضی از مشکلات بین‌المللی را نمیتوان به هر صورت توسط نیروهای پاسدار صلح برطرف کرد. حفظ صلح شدیداً به تشریک مساعی طرفهای درگیر و آمادگی آنها برای همکاری با نیروهای پاسدار صلح بستگی دارد.

فصل مسالمت‌آمیز اختلافات گردیده است. علی‌رغم پیش‌بینی منشور دایر بر اینکه سازمان نباید در درگیری‌های داخلی دخالت نماید، برای کشورهای عضو غیرقابل قبول است که شورای امنیت تصمیم به اجرای عملیات حفظ صلح در سوماتالی نگیرد. این تصمیم که شامل اعزام نیروهای نظامی به منظور حمایت از ارسال کمکهای انسان دوستانه میباشد، ابتکاری مهم بوده است.

بنابراین، فعالیت نیروهای حافظ صلح در مجموع موفقیتی چشمگیر برای سازمان ملل به‌مراه داشته است. این موفقیت بویژه وقتی که کوششهای استقرار صلح هماهنگ با فعالیتهای نیروهای حافظ صلح نباشد و یا این فعالیتهای تلفات انسانی در برداشته باشد، کاهش می‌یابد. طی سالیان گذشته ۸۱۲ نفر زن و مرد از ۴۳ کشور جهان در عملیات نیروهای حافظ صلح سازمان ملل کشته شده‌اند. ما هرگز نباید ایثار آنها را فراموش کنیم.

حال به من اجازه دهید آینده نیروهای حافظ صلح را مورد بحث قرار دهم. آینده‌ای گسترده، با فعالیتهای پیچیده‌تر و تقاضاهای بیشتر برای منابع (مادی و معنوی).

## آینده نیروهای حافظ صلح

سازمان ملل هرگز ادعا نکرده که به تنهایی قادر به اجرای عملیات پاسداری از صلح است. سازمانهای منطقه‌ای تعدادی از این نوع عملیات را بعده گرفته‌اند که موفق‌ترین آنها نیروی جامعه عرب بوده که در سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۲ به منطقه حائل بین عراق و کویت اعزام شد. از ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۶ يك نیروی حافظ صلح آمریکائی براساس قطعنامه مصوب سازمان کشورهای آمریکائی (OAS) به جمهوری دومینیکن اعزام شد. در سال ۱۹۷۹ مصر با همکاری ایالات متحده آمریکا يك نیروی ناظر صلح چند ملیتی، به منظور اجرای قرارداد صلح با اسرائیل در صحرای سینا تشکیل داد. بطور طعنه‌آمیز میتوان گفت که این نیروی زمانی تشکیل شد که شوروی سابق درخواست سازمان ملل برای تشکیل يك نیروی پاسدار صلح را به منظور حمایت از کشورهای عربی رد کرد. میتوان گفت که سازمان ملل با تجربه‌ترین نهاد در زمینه نیروهای حافظ صلح است. بعلاوه سازمان ملل بخاطر بیطرفی که يك شرط اساسی برای نیروهای حافظ صلح است، و امکاناتش برای تامین منابع مالی و مدیریت عملیات، بهترین وسیله سازمان‌دهی نیروهای حافظ صلح به شمار می‌رود. بنابراین بدیهی است که در خاتمه جنگ سرد و زمانی که تقاضا برای نیروهای حافظ صلح افزایش یافت، جامعه بین‌المللی به منظور حفظ صلح تمایل خود را به افزایش فعالیت سازمان ملل ابراز دارد.

اما اکنون میزان درخواست‌ها به حدی رسیده است که فکر میکنم سازمان ملل باید در این مهم با دیگران سهیم شود. يك جهان چندقطبی باید با نهادهای متعدد هدایت شود. اگر سازمانهای بین‌المللی بمنظور اجرای عدالت و تحقق آرزوهای مردم جهان موجودیت یافته‌اند، پس این سازمانها باید از امیدها، نظرات و تجربیات مردم جهان در تمام نقاط مطلع شوند بطوری که سیاستها و خط مشی سازمانهای بین‌المللی جوابگوی احتیاجات مردم در هر کجا که هستند باشد.

از اینرو منطقی بنظر میرسد که تلاشی در جهت تمرکززدانی در رابطه با مسئولیتهای سازمان ملل نسبت به نیروهای پاسدار صلح و حل و فصل



واقعۀ اتفاق نیفتاد. در کامبوج، تاخیر هفت ماهه از زمان امضای توافقنامه صلح پاریس در ماه اکتبر گذشته به مشکلات موجود عملیات افزوده است. البته چنانچه اراده سیاسی وجود داشته باشد، این مشکلات بسادگی قابل حل است. اجازه بدهید ۵ مرحله را پیشنهاد نمایم:

۱- سرمایه در گردش باید تامین گردد تا هزینه شروع کار نیروهای حافظ صلح از آن محل تامین شود.

۲- بحض اینک شورای امنیت تصمیم به انجام عملیات جدید گرفت، از کشورهای عضو تقاضا شود فوراً يك سوم مخارج تقریبی يك ساله این عملیات را پرداخت نمایند و دبیرکل بطور خود کار اختیار داشته باشد این مبلغ را هزینه نماید.

۳- انبار ذخیره‌ای از کالاهای مورد نیاز نیروهای حافظ صلح تاسیس شود تا بعضی اقلام ضروری و مورد نیاز همیشه در دسترس باشد.

۴- کشورهای عضو نسبت به تعهدات مالی خود برای تامین يك سوم بودجه مقدماتی و کل بودجه بطور کامل و به موقع پایبند باشند.

۵- مرحله پنجم که شامل مسئولیت من میشود، این است که با استدلال عقلی، ساختار دفتر دبیرکل را برای برنامه‌ریزی و مدیریت نیروهای حافظ صلح و همچنین سرعت بخشیدن به روند فعالیتها در این زمینه توجیه کنم. این کار از قبل انجام پذیرفته است.

در مورد هزینه نیروهای حافظ صلح و سهم کشورهای عضو، من معتقدم حتی مبلغ ۲/۷ میلیارد دلار برای این سال استثنائی، در مقایسه با پولی که بابت ادامه درگیری‌ها خرج میشود، بسیار ناچیز است. فقط بخاطر آوری که چه مبلغ گنج‌کننده‌ای برای پیروزی در جنگ سرد خرج شده است. در دهه ۱۹۸۰، هر سال مبلغ هزار میلیارد دلار در زمینه تسلیحات هزینه میشده، یعنی هر دقیقه ۲ میلیون دلار. با در نظر گرفتن این واقعیت، حمایت از نیروهای حافظ صلح راه کم‌خرجی برای کمک به ادامه ثبات در دوران بعد از جنگ سرد است.

اما من معتقدم که حجم فعلی مخارج نیروهای حافظ صلح نیز مشکلات جدی برای کشورهای عضو ایجاد کرده است. به این دلیل است که تصمیم گرفته‌ام تضمین کنم که آنها (کشورهای عضو) ارزش (بازده) پول خود را خواهند گرفت.

بنابراین بدقت مخارج عملیات نیروهای حافظ صلح بویژه آنها را که قدیمی هستند زیر نظر دارم. من قبلاً يك درصد از مخارج نیروهای موقتی پاسدار صلح مستقر در لبنان (UNIFIL) کاسته‌ام. این نیروها از سال ۱۹۷۸ در جنوب لبنان مستقر بوده‌اند. چنین کاهش بودجه‌ای، متوجه ستادها و مراکز پشتیبانی است و به هیچ وجه نیروهای عمل‌کننده را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. کاهش‌های مشابه که نتیجه کوششهای جاری است در مورد نیروهای ناظر بر متارکه جنگ (UNDOF) که از سال ۱۹۷۴ در منطقه حائل بین نیروهای سوری و اسرائیلی در بلندیهای جولان مستقر بوده، و سازمان ناظر بر متارکه جنگ (UNTSO) که اعضای آن بیش از ۴۰ سال در خاورمیانه بوده‌اند نیز به مورد اجرا گذاشته خواهد شد.

کارهایی که باید انجام شود به همین جا ختم نمی‌گردد. هردو طرف، یعنی دبیرکل و کشورهای عضو باید کارهای مشترک را به نحوی بهبود بخشند که ضمن اینکه پول برای نیروهای پاسدار صلح در نقاط بحرانی خرج می‌شود، اوضاع در این محلها نیز بدست آوردن نتیجه مطلوب در اسرع وقت را امکان‌پذیر سازد. این امر، دبیرکل و شورای امنیت را ملزم مینماید که هر پیشنهاد برای تاسیس نیروی حافظ صلح را بطور دقیق مورد مطالعه قرار دهند. حفظ دارایی يك نسخه جهانی نیست. این مسئله باید کاملاً تفهیم شود که بعضی از معضلات بین‌المللی را نمیتوان به هر صورت توسط نیروهای حافظ صلح معالجه نمود. حفاظت از صلح شدیداً به تشریک مساعی طرفین درگیر و آمادگی آنها برای همکاری با نیروهای حافظ صلح بستگی دارد. تا زمانیکه کلیه طرفها این واقعیت را قبول نکنند، مشکل حل نخواهد شد. با ادامه یافتن جنگ، کار نیروهای حافظ صلح موفقیت‌آمیز نخواهد بود. بنابراین منابع مالی بهتر است در جانی دیگر صرف شود.

همچنین ضروری است که دبیرکل و شورای امنیت فعالیتهای آن دسته از عملیات نیروهای حافظ صلح را که مدت زیادی از تاسیس آنها میگذرد و هیچ گونه پیشرفتی در زمینه حل اختلافات نداشته‌اند مورد بازنگری انتقادی قرار

○ - در برخی موارد، فراخوانی نیروهای پاسدار صلح باعث شعله‌ور شدن مجدد اختلافات و درگیری‌ها می‌شود و وضع موجود را بدتر می‌کند. در این گونه موارد میتوان چنین پنداشت که عملیات طولانی نیروهای پاسدار صلح «آخرین انتخاب بد» در شرایط موجود است.

دهند. يك مورد در این زمینه قبرس است که نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل بطور مداوم از سال ۱۹۶۴ در آنجا مستقر بوده‌اند و هنوز هیچ راه حلی، علی‌رغم کوشش دائمی نماینده ویژه من و دبیرکل‌های قبلی برای اختلافات طرفین درگیر پیدا نشده است.

اعزام نیروهای حافظ صلح، نهایتاً به منزله پایان یافتن اختلافات نیست، بلکه آنها در حکم ابزارهایی هستند که عملکردشان موجب ایجاد وضعیت مناسب برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات و درگیری‌ها میشود. اگر ثابت شود ماموریت کسانی که هدفشان حل مسالمت‌آمیز اختلافات است، غیرممکن یا غیرقابل اجرا است، پس تقاضای مکرر برای نیروهای حافظ صلح نیاز به مطالعه بسیار دقیق دارد.

البته این اصل باید با دقت زیاد به مورد اجرا گذاشته شود. در بعضی موارد فراخوانی نیروهای حافظ صلح باعث شعله‌ور شدن مجدد اختلافات میشود و بنابراین وضع موجود را بدتر میکند. در این قبیل موارد میتوان چنین پنداشت که عملیات طولانی نیروهای حافظ صلح «آخرین انتخاب بد» در شرایط موجود است.

باعث خشونتی است که ۱۳ مورد عملیات نیروهای حافظ صلح از سال ۱۹۸۸ تاکنون انجام شده است، لیکن ۶ مورد از آنها متوقف و تعهدات آنها پایان یافته است. این‌ها شامل ۲ مورد در افریقا یعنی در نامیبیا (UNTAG) که انتخابات عادلانه و آزاد تحت نظارت سازمان ملل در نوامبر ۱۹۸۹ برگزار شد و در آنگولا (UNAVEM) که از ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱ نیروهای نظامی سازمان ملل صحت خروج نیروهای کوبانی را مورد تأیید قرار دادند؛ در خاورمیانه، نیروهای ناظر نظامی موسوم به یونیمگ (UNIMOG) که اجرای آتش بس بین ایران و عراق را پس از يك جنگ ۸ ساله نظارت میکردند و در اوائل ژانویه ۱۹۹۱ براساس توافق طرفین محل ماموریت خود را ترک نمودند؛ در امریکای مرکزی، نیروهای ناظر صلح موسوم به (ONUCA) که بر آتش بس در نیکاراگوئه نظارت داشتند و همچنین صحت قطع کمکها به نیروهای چریک در منطقه درگیری را مورد تأیید قرار دادند؛ در کامبوج که بعد از امضای قرارداد صلح پاریس در اکتبر ۱۹۹۱ يك هیئت اعزامی پیش‌تاز از ناظران نظامی (UNAMIC) راه را برای ورود نیروهای UNATC هموار کرد، بوده است.

نیروهای حافظ صلح همچنان رو به گسترش هستند و خود را براساس طبیعت و نیازهای متغیر صلح، با شرایط موجود وفق میدهند. از زمان پایان جنگ سرد، این نیازها بیشتر، فوری‌تر و فراگیرتر شده است. معهذاً من تأکید می‌کنم که نیروهای حافظ صلح به هیچ وجه نمیتوانند جایگزینی برای صلح شوند. اگر بتوانم امروز نظریه‌ای را به شما منتقل نمایم این خواهد بود:

در جهان چند قطبی امروز، توسعه اجتماعی و اقتصادی و ترویج و تقویت بنیادهای دموکراتیک، جزء لاینفک و لازمه بقای صلح به شمار میرود.

این مطلب در اجلاس سران کشورهای عضو شورای امنیت در ۳۱ ژانویه مورد تأیید قرار گرفت. در بیانیه‌ای نیز که بعداً منتشر شد، کلیه اعضا تصدیق کردند که «صلح و کامیابی غیرقابل تقسیم است و برقراری صلح پایدار و باثبات مستلزم همکاری موثر بین‌المللی برای از میان بردن فقر و ترویج يك زندگی بهتر و توأم با آزادی بیشتر برای همه میباشد».

در این دوران جدید، ملت‌ها پایبندی مشترک به صلح را تصدیق و قبول میکنند. حال، کسانی که ملت‌ها را رهبری میکنند، باید به منظور تاسیس نهادها، ایجاد تفاهم و منابع قبول مسئولیت کنند تا حامیان صلح با اطمینان خاطر و موفقیت به خدمت خویش ادامه دهند.